

### متن پیاده سازی شده

#### بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که بحث ما راجع به سخن میرزای قمی بود؛ کلام ایشان را ما نقل کردیم و نقدی هم که به ایشان شده بود را اشاره کردیم؛ اما به نظر ما اشکالاتی که به ایشان گرفته شده وارد نیست اما کلام میرزا هم خالی از اشکال نیست.

سوال: اولاً چرا اشکالات دیگران وارد نیست؟ و ثانیاً: چه اشکالاتی وارد است؟

از ناحیه مرحوم آخوند و مرحوم امام خمینی به میرزای قمی این طور اشکال شد؛ گویا میرزا خطابات شارع را مخصوص مشافهین می داند و در حق غائبین و معدومین حجت نمی داند؟! مرحوم آخوند فرمود بنای عقلا این است که خطابات شامل غائبین و معدومین می شود و لذا کلام میرزا صحیح نیست. و مرحوم امام خمینی هم اشکالی شبیه همین کرد.

استاد علیدوست: میرزا فقط مواردی مثل یا ایها الذین و کتب علیکم و... مد نظرش است و همه صورت ها مثل سئل عن امام و انا حاضر و... نمی شود پس با مثال های که کلام میرزای قمی آنها را نمی گیرد نمی شود به میرزا اشکال گرفت.

سوال آیا میرزا بین حجیت ظواهر بین مقصود بالافهام و غیر مقصود بالافهام تفصیل می دهد یا نه؟ نکته بعد در مورد مرتبط نبودن اشکالات به کلام میرزای قمی: کجا میرزا تعبیر کرد ظواهر حجت هستند در حق مقصودین و حجت نیستند در حق معدومین؟ اگر حرف میرزا این بود چرا در ادامه کلامش می فرماید: ما برای فهم خطابات نیاز به اصل عدم نقل و عدم سقط و... داریم.

پس از کلام میرزا معلوم می شود خطاب را در حق موجودین و معدومین حجت می داند اما نسبت به معدومین می فرماید برای فهم ادله، استفاده در اصول لازم است.

موید کلام بالا: ایشان می فرماید قرآن برای موجودین قطعی الحجة بوده و برای ما (معدومین) ظنی الحجة است و لذا ما برای فهم ادله نیاز به اصولی داریم؛ نه اینکه بفرماید برای موجودین خطاب حجت است و برای معدومین لا حجت.

استاد علیدوست: درست است که ما این اشکالات را به میرزا وارد ندانستیم اما این بمنزله خالی بودن کلام ایشان از اشکال نیست.

اولین اشکال کلام ایشان این است که میرزای قمی دو ثمره مهم را یکی کرده است؛ ثمره اولی که ایشان می گوید به دو ثمره مهم و غیر مهم تقسیم می شود؛ ثمره مهمش را ایشان ملتزم نیست و ثمره غیر مهمش هم که مهم نیست. توضیح: ایشان فرمود اگر خطاب به همه باشد مردم هر عصری باید خودشان خطابات را برداشت کنند؛ جایز نیست بر اساس خطاب گذشتگان برداشت کنند اما اگر گفتیم خطاب مخصوص مشافهین بوده، باید مردم هر عصری زحمت بکشند و برداشت عصر مشافهین را دنبال کنند؛ یعنی در احل الله البیع و... باید ببینیم بیع در زمان خطاب به چه معنایی بوده است.

هیچ فقیهی ملتزم نیست که ما برداشت زمان خود را در معنای بیع و... دخیل بدانیم؛ اگر از این به بعد گفتند مد 40 کیلو است آیا ما می گوییم یک مُد 3 کیلو است یا 40 کیلو؛ قطعاً ما مُد را به همان 3 کیلو که در زمان خطاب بوده تفسیر می کنیم.

اما ثمره دومی که جناب میرزا ذکر کرد و حقتش این بود که جدا کند این بود: اگر گفتیم مشافهین فقط مخاطب به خطاب بوده اند ما نیاز به اصول داریم اما اگر خطاب شامل مقصودین و معدومین شود نیاز به اصول نیست. استاد علیدوست: این ثمره مهمی نیست و این طور نیست که مشافهین زمان خطاب به این اصول نیاز نداشته باشند؛ آنها هم اصولی داشته اند مثلاً اصل حقیقت، اصل عموم، اطلاق و... البته ما به این اصول بیشتر نیاز داریم؛ اما از کلام میرزا بر می آید که گویا مشافهین نیاز به اصول نداشته اند.

الحمد لله رب العالمين